

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۱، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۹

صفحات ۱۲۳ تا ۱۴۷

بررسی تطبیقی بازپروری مجرمان تروریستی به عنوان راهبردی نوین در مبارزه با تروریسم در ایران و سنگاپور

بهنام رستگاری*

استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

زهره وکیل‌پور

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

(Email: zohrevakilpoor@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱)

چکیده

امروزه بازپروری به‌عنوان راهبردی قانونی در برخورد با مجرمان در نظام حقوق کیفری بسیار مورد توجه قرار گرفته و آثار مثبت قابل توجهی از خود به‌جای گذاشته است؛ اما پرسش این است که آیا این روش در رویارویی با مرتکبان جرایم مهمی مانند جرایم تروریستی نیز می‌تواند همان نتایج مثبت را از خود به‌جای گذارد؟ ایران به‌عنوان یکی از کشورهای فعال در مبارزه علیه تروریسم راهبردهای مختلفی را در این خصوص به‌کار گرفته و در مقایسه با ایران، سنگاپور با بازپروری مجرمان تروریستی به‌عنوان راهبردی نوین در کنار سایر راهبردهای خود در مبارزات تروریستی، از حملات احتمالی و آسیب‌های ناشی از آن تاکنون جلوگیری کرده است. پژوهش حاضر در قالب یک تحقیق کیفی و با استفاده از شاخص‌های پژوهش تطبیقی بازپروری مجرمان تروریستی را به‌عنوان راهبردی نوین در مبارزات تروریستی بررسی کرده و آن‌ها را با روش‌های مرسوم مبارزه با تروریسم در ایران و سنگاپور مقایسه نموده است. درنهایت یافته حاصل از این پژوهش به این شرح است که با وجود نتایج مثبت بازپروری مجرمان تروریستی در کشور سنگاپور، ایران تاکنون از این روش در مبارزات خود بهره نبرده است.

واژگان کلیدی

بازپروری، تروریسم، روش‌های نوین مبارزه با تروریسم، مبارزه با تروریسم، مجرمان تروریستی.

مقدمه

بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر نوع نگرش به تروریسم تغییر یافت؛ به این شکل که ایالات متحده برای مبارزه از واژه جنگ (War on terror) استفاده کرد. واژه‌ای که با خود مشکلات بسیاری به همراه آورد و جامعه و حقوق بین‌الملل را با چالشی جدید در این حوزه مواجه کرد، زیرا جنگ با توجه به تعاریف بین‌المللی شرایط خاص خود را می‌طلبد و نمی‌توانست این مبارزه را در زیر چتر خود جای دهد؛ بنابراین امکان اینکه افراد حاضر در این مبارزه نیز جنگجو باشند و بتوان بر اساس قوانین جنگ با آن‌ها برخورد کرد نیز ممکن نبود.

در عمل تروریسم در سیاست و قانون کشورها به جرمی امنیتی تبدیل شده و این تغییر ماهیت باعث شده است دولت‌ها تروریسم را فراتر از یک جرم معرفی کنند، به همین دلیل این مبارزه به جنگ با تروریسم شهرت یافت که در یک طرف تروریست‌ها و در طرف دیگر دولت‌ها قرار گرفتند؛ مجرمان تروریستی از دسته بزهکاران خارج شدند و مبارزه با تروریسم به سیاست اولیه دولت‌ها تبدیل شد (عالی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۷). در تحلیلی حقوقی می‌توان به این مهم دست یافت که امنیتی شدن به مفهوم ایجاد امنیت بیشتر برای جامعه است. در این دیدگاه از جنبش دفاع اجتماعی که مجرم را یک بیمار می‌داند و به اصلاح آن توجه دارد و از مکتب تحقیقی که بزهکار را قربانی عوامل اجتماعی و عوامل جسمانی می‌داند و به‌جای مسئولیت اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و به‌جای مجازات، اقدامات تأمینی را پیشنهاد می‌دهد، فاصله گرفته و دوباره دیدگاه کلاسیک یا همان اصطلاح «جرم-مدار» مورد توجه قرار گرفته است. در این حالت مجرم برای دیگران یک خطر محسوب می‌شود؛ خطری که امنیت جامعه را هدف قرار داده است. به همین دلیل امنیت‌گرایی بر مجازات‌های سخت و نامتناسب با جرم ارتكابی برای مهار خطر ایجاد شده از سوی مجرم تأکید دارد (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۵). از این‌رو مجرمان تروریستی نیز به دلیل ماهیت جرم ارتكابی خود و به دلیل حوادث بسیاری که تاکنون برای جامعه انسانی ایجاد کرده‌اند عاملان مخرب امنیت هستند که شدیدترین مجازات‌ها را بر این اساس متحمل می‌شوند؛ مجازات‌هایی که در بسیاری از مواقع نمی‌تواند تأثیر مثبتی در روند کاهش این جرم داشته باشد.

پژوهشگران حوزه تروریسم معتقدند تروریست‌ها افرادی هستند که نسبت به جامعه خود احساس یک بیگانه را دارند که ممکن است این احساس بیگانگی محصول وضعیت‌های متفاوت در جامعه، مانند شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و موارد روان‌شناختی یا ترکیبی از این‌ها باشد. اینکه چگونه به این درک رسیده‌اند که بیگانه هستند، باید از نوع قومیت، مذهب، ناتوانی در یافتن شغلی مناسب، عدم رضایت مالی و نابسامانی‌های سیاسی به این پاسخ دست یافت؛ ولی باید دانست که آن‌ها خود را آرمان‌گرا در دنیایی ناعادلانه می‌دانند. تروریست‌ها اغلب جوان

هستند، آن‌ها در این سنین مشتاق ارتباط با همسالان خود بوده، در نتیجه زمانی که احساس نارضایتی و بیگانگی کنند، گروه‌های تروریستی را تشکیل می‌دهند. این افراد همه درهای پیش روی خود را بسته می‌بینند و با ایجاد گروه‌هایی این احساس را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و پس از گفتگوها به دنبال راه‌هایی برای احقاق حق برمی‌آیند تا ناتوانی و احساس بیگانگی خود را ارضا کنند. این جوانان شروع به اعتراض و شورش و شعار دادن می‌کنند، اما به دلیل اینکه این شورش‌ها نمی‌تواند خشم درونی آن‌ها را فروکش کند، در نهایت دست به عملیات تروریستی می‌زنند. به همین دلیل است که ادغام در جامعه به جای اجرای مجازات‌ها باعث کاهش و خنثی کردن احساس بیگانگی در تروریست‌ها می‌شود (Hoffman, 1985, p. 1-2). از این رو استفاده از ابزار بازپروری بر روی مجرمان تروریستی راهبردی جدید و مفید برای مبارزه با تروریسم است که تاکنون توانسته است در کشورهای اجراکننده آن ثبات و امنیتی عالی ایجاد کند. تروریست‌ها همیشه از جوانان نبوده و نیستند، اما در گروه سنی جوانان پذیرش بسیاری از عقاید افراطی به سرعت صورت می‌گیرد که این به دلیل ویژگی‌های انعطاف‌پذیری جوانان است و جذب جوانان به این گروه‌ها آسان‌تر صورت می‌گیرد؛ چه بسا گروه‌های تروریستی امروزه از کودکان نیز برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌برند و حقوق این کودکان را نیز نقض می‌کنند. تروریست‌ها در میان رده‌های سنی آسیب‌پذیر نفوذ کرده، به راحتی آن‌ها را با خود همراه می‌کنند و این یکی از مشکلاتی است که به صورت خاموش در جوامع وجود دارد و کمتر می‌توان تا زمانی که آثار آن دیده نشده است به وجود آن پی برد و مانع بروز آسیب شد.

مبارزه با تروریسم در سایه ابزار نظامی تا به امروز به اشکال مختلفی صورت گرفته، اما موضوع مهم این است که در این نوع مبارزات ممکن است در مقطع زمانی کوتاهی تروریسم نابود شود و عاملان آن از بین بروند، اما عمر این موفقیت کوتاه بوده، در بلندمدت کشورها شکست خواهند خورد؛ چراکه این افراد و یا افرادی که ادامه‌دهنده راه هم‌مسلمان خود بودند به خون‌خواهی افراد از دست‌رفته دوباره با قدرت بیشتری گروه‌های جدید را تشکیل می‌دهند و در حمله بعدی خود تلاش می‌کنند تا به بدترین شکل انتقام بگیرند (Rubin & Gunaratna, 2011, p. 1). از این رو ابزار نظامی تاکنون نتوانسته است به کاهش جرایم تروریستی کمک کند و همواره باید در آماده‌باش نظامی باشد که از حملات احتمالی آن‌ها جلوگیری کند و این موضوع خود هزینه‌های بسیاری بر روی دوش دولت‌ها می‌گذارد.

ایران در طول تاریخ، حوادث تروریستی بسیاری را از سر گذرانده و در سال‌های اخیر حوادث تروریستی دیگری را نیز تجربه کرده که هر کدام با تلفات جانی و مالی بسیاری همراه

۱. در این خصوص کشورهایی همچون سنگاپور، مالزی، سریلانکا، اندونزی، اسپانیا و کلمبیا بر روی بازپروری مجرمان تروریستی فعالیت می‌کنند.

بوده است. در هر حادثه تروریستی نیروهای نظامی قدرتمندانه با آن‌ها مبارزه کرده و پاسخ حملاتشان را داده‌اند. با این حال مسئله این است که چرا حوادث یکی پس از دیگری رخ داد است؛ حملاتی مانند مجلس، حرم مطهر امام خمینی، میرجاوه، اهواز، چابهار، زاهدان و بسیاری دیگر که همگی با پاسخ نظامی به پایان رسیده‌اند، اما نتوانسته‌اند مانع حمله بعدی شوند. در برخورد با تروریست‌ها رویکردهای متفاوتی استفاده می‌شود، اما به دلیل ضعف این رویکردها نیاز است تا آن‌ها و نوع عملکردشان بازنگری، و بررسی شود که چگونه می‌توان عملکرد این رویکردها را ارتقا داد تا بتوانند با کمترین تلفات مانع بروز حوادث تروریستی گردند؛ مانند کشور سنگاپور که توانسته است به این امر مهم دست پیدا کند.

در خصوص بازپروری مجرمان تروریستی پژوهش‌های مختلفی در نقاط مختلف جهان صورت گرفته است که به صورت کتاب یا مقاله در اختیار محققان قرار دارد؛ از جمله این تحقیقات ارائه شده، کتابی است با عنوان «بازپروری تروریست و مبارزه با افراط‌گرایی: روش نوین مبارزه با تروریسم» که روهان گواناراتنا (Rohan Gunaratna) آن را نگاشته است. این کتاب به بررسی بازپروری مجرمان تروریستی در کشورهای مختلفی مانند سنگاپور و مالزی پرداخته و این امر مطرح شده است که اعمال مبارزه نظامی با تروریست‌ها در نهایت به افزایش حوادث تروریستی منجر می‌شود. اما مقاله حاضر به بررسی رویکرد بازپروری در کنار سایر رویکردهای مبارزه با تروریسم می‌پردازد و تفاوت این رویکردها را بیان می‌کند و این موضوع در دو کشور ایران و سنگاپور بررسی می‌شود تا به این نتیجه برسد که ایران نیازمند استفاده از این شیوه نوین است. در این کتاب صرفاً به کشورهایی که از این روش استفاده کرده‌اند توجه شده است، اما باید کشورهایی که شناختی از این رویکرد ندارند و در خطر حملات تروریستی هستند نیز مورد بررسی قرار گیرند؛ به این صورت این کشورها نیز به اهمیت این موضوع با بررسی‌های علمی دست می‌یابند و تلاش می‌کنند تا از آن به‌عنوان روشی مؤثر در مبارزات تروریستی خود استفاده کنند.

پژوهشی دیگر در قالب مقاله در خصوص کودکانی انجام شده است که در گروه تروریستی خلیفه استخدام شده بودند و با برنامه‌های بازپروری به جامعه بازگشتند و به این موضوع می‌پردازد که این کودکان باید با برنامه‌های بازپروری بتوانند به جامعه بازگردند و برای اینکه این رویکرد بتواند به‌درستی بر آنان تأثیر بگذارد باید از آن‌ها از لحاظ روان‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. این مقاله به رویکرد نوین مبارزه با تروریسم در خصوص کودکان به‌کار گرفته شده در گروه‌های تروریستی پرداخته، اما مقاله حاضر به گروه خاصی از گروه‌های تروریستی و قشر ویژه‌ای از آن‌ها توجه نکرده، بلکه صرفاً آثار اعمال بازپروری مجرمان تروریستی را در ایران و سنگاپور مورد مطالعه قرار داده است تا بیان شود که با توجه به رویکرد بازپروری در کنار سایر رویکردها می‌توان مانع حوادث آینده تروریسم شد و از تمام اقشار جامعه محافظت کرد.

نوشتار حاضر ابتدا راهبردهای مبارزه با تروریسم را در ایران و سنگاپور که راهبردهای پیشگیرانه، سرکوب‌گرایانه و قانونی است به‌طور مختصر بررسی کرده است تا این مهم روشن شود که این راهبردها تا چه میزان در کاهش جرایم تروریستی در هر دو کشور مؤثر بوده‌اند و در ادامه، بازپروری مجرمان تروریستی به‌عنوان یک راهبرد نوین در مبارزات تروریستی در ایران و سنگاپور مورد تحلیل قرار گرفته است. درنهایت این نتیجه حاصل می‌شود که بازپروری راهبردی مناسب در جهان امروز برای مبارزه با تروریسم است و کشور سنگاپور با اجرای این راهبرد مفید و نوین توانسته است نتایجی به‌مراتب عالی‌تر در کنار سایر راهبردها به‌دست آورد، اما ایران با اینکه سال‌هاست قربانی خشونت‌های تروریستی است و نیاز به روش‌های جدید برای مبارزه و حفظ امنیت دارد صرفاً تلاش کرده است تا با راهبردهای پیشین به مبارزه بپردازد؛ درحالی که این نوع از مبارزات در بسیاری از مواقع پس از وقوع یک حادثه دست به کار می‌شود، اما بازپروری می‌تواند در بطن جامعه رسوخ کند و مانع حوادث آینده شود.

۱. راهبردهای مبارزه با تروریسم

همان‌گونه که مطرح شد کشورها در مبارزات خود از راهبردهای مختلف سود می‌جویند؛ از جمله این راهبردها می‌توان به راهبرد پیشگیرانه، سرکوب‌گرایانه و قانونی اشاره کرد که هرکدام به صورت کوتاه‌مدت مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱.۱. راهبرد قانونی و پیشگیرانه

راهبرد قانونی به‌عنوان قسمتی از راهبرد پیشگیرانه در کنار آن در مبارزات تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. راهبرد قانونی بخشی از راهبرد پیشگیرانه و درحقیقت مکمل آن در مبارزات تروریستی است. قوانین می‌توانند مانعی برای حوادث تروریستی باشند، در صورتی که به‌درستی مورد استفاده قرار گیرند. از سال ۲۰۰۱م قوانین بسیاری برای مبارزه با تروریسم در عرصه بین‌المللی و داخلی کشورها بیش از گذشته تدوین و تصویب شده است. در عرصه بین‌المللی پس از این تاریخ، هفت^۱ کنوانسیون منعقد شد و در عرصه داخلی در سنگاپور دو

۱. کنوانسیون بین‌المللی ممانعت از تأمین سرمایه مالی برای تروریسم در سال ۱۹۹۹م تصویب و در سال ۲۰۰۲م لازم‌الاجرا شد؛ کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از اعمال تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵م؛ پروتکل الحاقی ۲۰۰۵م به پروتکل جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره‌ای؛ پروتکل الحاقی ۲۰۰۵م به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت ناوبری دریایی؛ اصلاحات مربوط به کنوانسیون محافظت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۲۰۰۵م؛ کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی مربوط به

قانون^۱ و در ایران هم دو قانون^۲ برای مبارزه با تروریست منعقد شده است. قوانین موجود در مبارزه با تروریسم می‌تواند مسیر مبارزه را هموارتر کند و همچنین تعیین‌کننده نوع برخورد با مجرمان تروریستی باشد تا بر اساس قوانین و حقوق مصرح در حقوق بشر مجازات این افراد صورت گیرد. وجود قوانینی که برخورد با تروریست‌ها را مشخص کند نیاز به این دارد که در ابتدا تروریسم جرم‌انگاری شود و پس از آن برایش قانون اتخاذ گردد. راهبرد قانونی می‌تواند نقشه راه سایر راهبردها باشد، در صورتی که در راستای حقوق بشر اتخاذ شود.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان راهبرد پیشگیرانه در مبارزه با تروریسم تاکنون بر اساس اسناد بین‌المللی و داخلی دست به عمل زده است؛ مانند کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی که جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق شده و بر اساس آن اقدام کرده است. ماده ۳ بند ۲ این کنوانسیون اقدامات پیشگیرانه‌ای را که دولت‌ها در مبارزات خود باید انجام دهند، بیان کرده است. همچنین در این راستا گزارش‌هایی از سوی دولت ایران به کمیته مبارزه با تروریسم ارائه شده که در آن‌ها نحوه عملکرد ایران در برابر تروریسم و اقدامات پیشگیرانه آن بیان شده است. برای مثال یکی از اقدامات گزارش شده ایران به کمیته، اصلاح قانون مربوط به شدت مجازات قاچاق اسلحه و مهمات که مجازات‌های شدیدتری را علیه تولیدکنندگان و دارندگان مواد انفجاری و آتش‌زای غیرقانونی و نیز دارندگان گازهای شیمیایی، گیج‌کننده، بی‌حس‌کننده و نیز اشک‌آور پیش‌بینی می‌کند از جانب کمیسیون مرکزی نظارت بر تسلیحات و مهمات تنظیم و برای تصویب به مجلس ارائه شده است (گزارش دوم جمهوری اسلامی ایران به CTC (Counter Terrorism Committee)، ۱۳۹۰، ص ۱۱-۱۰). همچنین در مبارزات پیشگیرانه حفاظت از مرزها اهمیت فراوانی دارد که نظارت شدید بر آن‌ها اعمال شود؛ مانند ایجاد مقرهای امنیتی در مرزها و استقرار تجهیزات امنیتی، احداث و توسعه دیوارهای امنیتی در امتداد مرزهای شرقی اعم از دیوارهای بتنی، حفر کانال‌های مرزی، ایجاد موانع و کشیدن سیم‌های خاردار مرزی و انسداد مرز تا حد امکان (گزارش پنجم جمهوری اسلامی ایران به CTC، ۱۳۹۰، ص ۲۸). ارائه این گزارش‌ها حاکی از این است که ایران با محدود کردن و محافظت شدید از بسیاری از مناطق حساس با تمام قدرت در تلاش است تا بتواند از میزان حوادث تروریستی

حمل و نقل هوایی بین‌المللی و داخلی ۲۰۱۰م؛ پروتکل تکمیلی تصرف غیرقانونی هواپیما ۲۰۱۰م؛ کنوانسیون اصلاحی در مورد جرایم و اعمال ارتكابی خاص هیئت مدیره هواپیما ۲۰۱۴م.
 ۱. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سال ۲۰۰۲م و نیز قانون مبارزه با بمب‌گذاری تروریستی در سال ۲۰۰۸م بر اساس کنوانسیون سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی تصویب شده است.
 ۲. در سال ۱۳۸۲ش لایحه مبارزه با تروریسم تنظیم و به مجلس تقدیم شد. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سال ۱۳۹۴ش به تصویب مجلس رسید و شامل ۱۷ ماده و ۵ تبصره است.

بکاهد؛ با وجود این، بسیاری از حوادث تروریستی همچنان در مرزها و مناطق حساس رخ می‌دهد. به‌طور کلی ایران با افزایش حوادث و افکار تروریستی مواجه است و برای مبارزه با آن نیازمند اقداماتی در راستای حقوق بشر است.

در مقایسه با ایران، سنگاپور نیز در به‌کارگیری راهبرد پیشگیرانه اقدامات متعددی انجام داده و پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر این کشور بیشتر مورد توجه تروریست‌ها بوده است. این موضوع مقامات سنگاپور را بر آن داشت تا به مقابلهٔ پیشگیرانه علیه تروریسم دست بزنند. همچنین حوادث اخیر که در غرب آسیا رخ داده، مانند ظهور داعش در سوریه و عراق باعث شده است تا سنگاپور تروریسم را تهدیدی علیه امنیت ملی خود بداند و اقداماتی برای ممانعت از سفر به این مناطق و جلوگیری از حمایتی که این افراد نسبت به تروریست‌ها دارند؛ انجام دهد. درحقیقت سنگاپور بر اساس قطعنامهٔ ۲۱۷۸ شورای امنیت عمل کرده که هدف این قطعنامه قطع خطوط ارتباطی افراد در کشورها با تروریست‌های داعش و النصره است، و بر اساس آن و قانون داخلی خود مظنونان تروریستی سنگاپوری را که قصد سفر به مناطق سوریه و عراق برای کمک به این گروه‌ها را دارند بازداشت می‌کند که این اقدام در قالب اقدام پیشگیرانه و قانونی قرار می‌گیرد؛ همچنین سازمان امنیت این کشور در مرزها مراقبت‌های ویژه‌ای انجام داده است تا مانع ورود و خروج افراد مشکوک شود (Kam, 2014, p. 1093).

افزون بر موارد یادشده، اقدامات پیشگیرانهٔ دیگری نیز برای مقابله با تروریسم در سنگاپور انجام شده است؛ مانند استقرار نیروهای امنیتی در منطقهٔ نیروگاه پتروشیمی برای بالا بردن امنیت منطقه و نصب دوربین‌های نظارتی در زیرساخت‌های حیاتی در نیروگاه‌ها و شبکه‌های آبرسان که این دوربین‌ها به صورت ۲۴ ساعته در حال کنترل نقاط حساس در مناطق مختلف است؛ مانند وسایل حمل و نقل عمومی که دولت تلاش کرده است تا دسترسی آن را برای تروریست‌ها سخت کند. همچنین برای جلوگیری از نفوذ تروریست‌ها در هواپیماها از درب‌های ضدگلوله استفاده شده و ورودی کابین خلبان‌ها با دوربین‌های نظارتی تحت کنترل است و تمام محموله‌های هواپیما مورد بررسی و آزمایش قرار می‌گیرند و سیستم تشخیص انفجار در هواپیماها نیز تعبیه شده است (Ibid).

تنگهٔ مالاکا (Strait of Malacca) یکی از مناطقی است که امنیت آن برای سنگاپور بسیار اهمیت دارد؛ چراکه این تنگه یک آبراه مهم تجاری است و وجود یک حملهٔ تروریستی می‌تواند پیامدهایی سنگین برای اقتصاد و امنیت سنگاپور به‌همراه داشته باشد. در این شریان دو سوم گاز مایع جهان تأمین می‌شود و در صورت وجود حمله، قتل عام بزرگی به‌راه می‌افتد و تجارت جهانی مختل می‌شود. به همین علت سنگاپور اقداماتی مانند استفاده از سیستم‌های پیشرفتهٔ ردیابی مخازن نفت، استفاده از کشتی‌های نیروی دریایی به‌عنوان اسکورت برای کشتی‌های

تجاری، نشان دادن راه‌های خاص برای کشتی‌های تجاری به منظور جلوگیری از تماس با نواحی حساس و تأسیسات و همچنین استقرار تأسیسات تشخیص تشعشع در نقاط ورودی مرز به کانتینرها و پرسنل برای وجود مواد رادیواکتیوی، انجام داده است (National Security Coordination Secretariat, p. 23).

راهبرد پیشگیرانه و قانونی از مهم‌ترین راهبردها در مبارزه با تروریسم هستند که در هر دو کشور در حال اجرا است، اما انجام این اقدامات با وجود پیشگیری از حملات تروریستی باعث تضعیف و آسیب به حقوق بشر شده است؛ همچون حقوق پناهندگان که دولت‌ها برای عدم ورود تروریست‌ها به کشورشان مانع ورود پناهندگان آسیب‌دیده و در معرض خطر شدند که این موضوع افزون بر اینکه باعث کاهش اجرای استانداردهای حقوق بشر شده است، یک خطر جدی در راستای نقض حقوق انسانی افراد هم محسوب می‌شود (Rastegari & Nordin, 2011, p. 8). باید توجه داشت که بسیاری از این اقدامات و قوانین چارچوب اساسی بنیادین حقوق بشر را نقض می‌کنند؛ مانند حق امنیت و آزادی، دادرسی عادلانه، ممنوعیت در بازداشت‌های غیرمنتظره و نامحدود، نظارت الکترونیکی بدون حکم دادگاه، أخذ اثر انگشت تبعیض آمیز علیه تبعه غیرنظامی کشوری خاص و موارد بسیار دیگر (Nordin & Rastegari, 2011, p. 8). حوادث تروریستی با ایجاد رعب و وحشت در بین مردم سبب شده است که دولت‌ها ترجیح بدهند برای خنثی کردن این ترس و بازگرداندن آرامش به نقض حقوق بشر دست بزنند؛ درحالی که این موضوع نامنی را بیشتر خواهد کرد. اما باید توجه کرد که برای افزایش کارایی این ابزارها نیاز به حمایت ابزارهای حقوق بشری است.

۱.۲. راهبرد سرکوب گرایانه

پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر دولت ایالات متحده آمریکا استفاده از راهبرد سرکوب گرایانه را مورد حمایت قرار داد. در این راهبرد اصل بر ناپودی تروریست‌ها و اقداماتشان بود، ولی از منظر حقوق بشر اولین نتیجه استفاده از اقدامات سرکوب گرایانه نقض حقوق بشر است. در این راهبرد مقابله با تروریسم به صورت پلیسی و نظامی است. همچنین تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت برای مبارزه با تروریسم در این چارچوب قرار دارند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴). بدون شک شروع این جنگ خود تهدیدی بر علیه امنیت و حقوق بشر است، «زیرا با به‌چالش کشیدن حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه که طی چند دهه با مشقت و دقت شکل گرفته است، جنگ علیه تروریسم امنیت ما را بیش از هر حمله تروریستی دیگری تهدید می‌کند» (هافمن، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳). ایران نیز برای مبارزه با بسیاری از گروهک‌های تروریستی به این روش متوسل شده است؛

مانند از بین بردن منافقین، حزب دموکرات کردستان، جندالله و بسیاری دیگر از گروه‌های تروریستی. اما این راهبرد برای به سرانجام رسیدن هزینه‌های سنگینی را تحمیل می‌کند (شبستانی و افتخاری، ۱۳۹۰، ص ۲۹) و ایران تاکنون هزینه‌های بسیاری بابت مبارزه به صورت نظامی با تروریسم متحمل شده است.

در سنگاپور نیز تا سال ۱۹۹۱م برای سرکوب تروریست‌ها دست به اقدامات سرکوب زده شده است. آخرین بمب‌گذاری در سنگاپور در سال ۱۹۸۷م صورت گرفت و در سال ۱۹۹۱م تروریست‌ها هواپیمایی را ربودند که با ورود نیروهای امنیتی سنگاپور ۴ تروریست تبعه پاکستان که هواپیما را ربوده بودند، کشته شدند (Gavin Chua Hearn Yuit, 2009, p. 21). در سال ۲۰۰۰م دو گروه تروریستی به نام‌های جماعه الاسلامیه و القاعده با اهداف حمله به کشورهای امریکا، استرالیا و انگلیس در سنگاپور ظاهر شدند که مأموران امنیت داخلی این کشور در دسامبر سال ۲۰۰۱م متوجه این توطئه شدند و آن را خنثی کردند. این حادثه به تغییر روش سنگاپور در مواجهه با تروریسم منجر و باعث شد که سنگاپور برای مبارزات خود دست از سرکوب بردارد و با ایدئولوژی افراط‌گرایی مبارزه کند؛ به همین دلیل مرکزی برای مبارزه با افکار افراطی ایجاد و موفق شد از بروز حوادث تروریستی تاکنون جلوگیری کند (Vakilpour, Rastegari, 2018, p. 19).

حملات تروریستی در جهان با وجود سرکوب از سوی کشورها همچنان با اشکال مختلفی نمایان می‌شود. آمار جهانی حوادث تروریستی نشان از افزایش آن از سال ۱۹۷۰م تا به امروز داشته است. بر اساس آمار جهانی از سال ۱۹۷۰م تا سال ۲۰۱۶م حملات تروریستی ثبت شده در مجموع ۱۷۱۰۹۷ مورد بوده و از سال ۲۰۱۷م تا به امروز (یعنی ۲۰۱۹) تعداد ۴۱۳۲ حمله و ۲۱۲۴۰ کشته ثبت شده است (storymaps.esri.com/stories/terrorist-attacks) که این رقم حاکی از بالا رفتن این حملات و ضعف این رویکردها در جلوگیری از بروز حوادث تروریستی است. اما این راهبردها می‌توانند با برقراری تعادل میان عدالت و امنیت راهبردهایی مهم در مبارزات تروریستی باشند؛ چراکه اگر اقدامات امنیتی صرف بدون در نظر گرفتن حقوق و آزادی‌های اساسی انسان‌ها که قوانین بین‌المللی حقوق بشر از آن حمایت می‌کند صورت گیرد، به جای ایجاد فضای امن برای شهروندان فضای ناامنی در جوامع برای انجام هر اقدام تروریستی ایجاد می‌شود (Rastegati & Nordin, Op.Cit: 10).

۳.۱. راهبرد نوین (بازپروری)

در سال‌های اخیر توجه به رویکرد بازپروری باعث تدوین اهداف و راهبردهای علمی، دست‌یافتنی و اثربخشی شده است. این جریان به دلیل تغییر جرایم، همچنان در محافل علمی برای کاهش جرایم و پیشگیری از آن‌ها جزء مباحث مهم و چالش‌برانگیز است (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸).

بازپرووی ابزاری است با مفهوم تغییر ویژگی‌های فرد مجرم مانند نوع نگرش او که با آموزش‌های اجتماعی، فنی، حرفه‌ای و روان‌شناختی صورت می‌گیرد و به او کمک می‌شود تا دوباره مرتکب جرم نشود و از سوی دیگر بازپروری باید با ادغام فرد مجرم پس از گذراندن برنامه‌های بازپروری به جامعه باشد و ادغام مجدد به مفهوم یک انتقال امن و مطمئن در جامعه و پذیرش فرد از سوی جامعه است؛ به صورتی که این فرد در جایگاه مناسب خود قرار گیرد و آزادانه به زندگی خود ادامه دهد، بدون تمایل به ارتکاب مجدد جرم (Liesbeth van der Heide, Jip Geenen, 2017, p. 8). بازپروری مجرمان تروریستی سیاستی جدید در راستای حملات تروریستی است که بر قابلیت انعطاف‌پذیری این مجرمان تأکید می‌کند؛ به این مفهوم که به تروریست‌ها کمک می‌شود تا به‌عنوان یک فرد مفید وارد اجتماع شده، زندگی عادی داشته باشند. در این راهبرد تلاش می‌شود تا در کنار سایر راهبردها بر اساس آموزه‌های حقوق بشر از میزان حوادث تروریستی کاسته شود.

شایان ذکر است با گسترش ایدئولوژی افراطی و برقراری ارتباط تروریست‌ها از طریق اینترنت و سایر وسایل ارتباط جمعی، مشارکت اجتماعی و بازپروری به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین ارکان مبارزه با تروریسم ظهور کرده است. در مبارزه با تروریسم چهار رکن وجود دارد:

- مبارزه با اطلاعات تروریسم (راهبرد قانونی و پیشگیرانه)
- عملیات مبارزه با تروریسم (راهبرد سرکوب‌گرایانه)
- تحقیقات مبارزه با تروریسم (راهبرد پیشگیرانه)
- مشارکت اجتماعی و بازپروری تروریسم (راهبرد نوین مبارزه با تروریسم) (Gunaratna, 2011, p. 281).

هرکدام از این ارکان در جایگاه خود در برخورد با مجرمان تروریستی اهمیت ویژه‌ای دارند و در صورت به‌کارگیری به‌موقع و مناسب می‌توانند آثار مثبتی داشته باشند. البته ناگفته نماند که در هرکدام از این ارکان اصل مهم باید رعایت اصول انسانی باشد که بتواند مثر ثمر واقع گردد. بر اساس تحقیقات پژوهشگران اگر تروریست‌ها یک دوره در زندان‌ها به‌سر ببرند و برنامه‌ای برای تغییر آنان وجود نداشته باشد، همچنان تهدیدی برای امنیت خواهند بود و امکان اینکه دوباره به گروه‌های تروریستی بپیوندند؛ وجود خواهد داشت (Gunaratna, 2013, p. 19). دولت‌ها زمانی که یک فرد تروریست را دستگیر می‌کنند بهترین فرصت را برای تغییر دیدگاه‌های او دارند، در غیر این صورت این فرد همچنان یک حامل و منبع مهم برای افراط‌گرایی باقی می‌ماند. برای جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های تروریستی باید برنامه‌هایی هوشمندانه برای ادغام آن‌ها به جامعه صورت بگیرد (Gunaratna, 2015, p. 6). چراکه در این صورت این فرد خود را نیازمند یک زندگی مانند سایر انسان‌ها می‌بیند و به این موضوع واقف می‌شود که

حقوق او نیز مانند سایر انسان‌ها مورد توجه است و جامعه به وجود او به‌عنوان یک انسان نیازمند است. زمانی که افراد برخلاف قانون اقداماتی انجام می‌دهند مستحق مجازات هستند، اما این مجازات باید به‌گونه‌ای باشد که به سایر اقشار جامعه آسیب‌های روحی، اجتماعی و اقتصادی وارد نکند و در صورتی که این‌گونه شود از میزان تأثیرگذاری آن کاسته می‌شود و همچنان این فرد مجرم و خطاکار باقی می‌ماند و جامعه او را به دیده‌ی یک تابو می‌نگرد و در این صورت احساس امنیت نیز در جامعه کاسته می‌شود. جوامع امروزی نیازمند اطمینان به یکدیگرند تا بتوانند در سایه‌ی این اطمینان و امنیت به پیشرفت و تعالی خود دست یابند.

در این راستا مهم‌ترین کاری که پس از دستگیری یک تروریست باید انجام شود به‌دست آوردن اطلاعات از این اشخاص است تا از لحاظ امنیتی گروه‌های مرتبط با او کشف و دستگیر شوند؛ درواقع هر تروریست یک منبع ارزشمند برای دستگیری گروه‌های بزرگ‌تر است. بعد از آن باید از لحاظ روان‌شناختی بر روی تک‌تک این افراد مطالعه شود و درنهایت بر توانمندسازی آن‌ها در زمانی طولانی برای بازگشت به جامعه تمرکز گردد (Ibid, p. 9 & 11). در صورت کشته شدن تروریست دستگیرشده، بدون شک همچنان افراد پشت پرده به فعالیت خود ادامه می‌دهند و این روند تا زمانی که تلاش نشود بر روی این افراد به‌عنوان منبع مهم اطلاعاتی از لحاظ روان‌شناختی، اجتماعی و حقوقی تحقیق شود به کاری عبث تبدیل خواهد شد و دور باطلی را باید طی کرد. نیاز به برنامه‌های بازپروری در این برهه‌ی زمانی کاملاً مشهود است؛ چراکه تروریست‌ها برای تغییر نگرش خود نیازمند کمک هستند و اگر غیر از این باشد نتیجه‌ای منفی برای جوامع در پی خواهد داشت.

از این رو طیف وسیعی از برنامه‌های بازپروری مجرمان تروریستی را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد: بر اساس هدف، بازپروری می‌تواند نوعی خاصی از افراط‌گرایی یا تمام‌انواع افراط‌گرایی را را دربر گیرد. بر اساس مراحل اجرا، بازپروری می‌تواند قبل از زندان یا در زندان و یا بعد از زندان باشد. بر اساس نوع شرکت افراد در برنامه‌های بازپروری، می‌تواند داوطلبانه یا اجباری باشد. در بسیاری از کشورها صرفاً افراط‌گرایان مورد هدف هستند، درحالی که با تمرکز بر روی قشر مستعد برای افراط‌گرایی می‌توان محیط را کنترل و از بروز حوادث آینده جلوگیری کرد؛ به این صورت عدالت کیفری نیز رعایت می‌شود و مبارزه‌ی پیشگیرانه در مقابل تروریسم صورت می‌گیرد (Liesbeth, Op.Cit: 8). همچنین روش‌های بازپروری مجرمان تروریستی را می‌توان به هفت دسته تقسیم کرد: بازپروری مذهبی؛ بازپروری روان‌شناختی؛ بازپروری تحصیلی؛ بازپروری فنی و حرفه‌ای؛ بازپروری خانوادگی و اجتماعی؛ بازپروری ورزشی و تفریحی؛ و بازپروری با خلاقیت هنری. هرکدام از این روش‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است تا بتوان به هدف موردنظر دست یافت (Gunaratna, 2015, Op.Cit: 9 & 11).

برنامه‌های بازپروری در کشورهای مختلف بر اساس نوع قوانین و فرهنگ آن‌ها اجرا می‌شود. بررسی آن‌ها در ایران و سنگاپور می‌تواند تأثیر این برنامه‌ها را بر مجرمان و جامعه مدنی هر دو کشور نمایان سازد در صورتی که مجرمی بر اثر این برنامه‌ها به جامعه بازگردد چه میزان از بزه ارتكابی کاسته می‌شود. این امر در خصوص مرتکبان جرایم تروریستی نیز در هر دو کشور نشان می‌دهد که در صورت توجه و عدم توجه به این مسئله مهم چه آثاری بر هر دو کشور خواهد گذارد.

۲. بازپروری در ایران

مجازات هنجارشکنان از گذشته تا به امروز قدمتی به وسعت تاریخ بشریت دارد، اما توجه بیش از حد به اجرای این مجازات‌ها به مختل شدن آزادی‌های اشخاص، تحمل هزینه‌های گزاف بر دوش دولت‌ها و اختلال در عملکرد نظام قضایی منجر خواهد شد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۵۶). اما در این میان برای کاهش این حجم از اختلال‌های حاصل از مجازات‌ها می‌توان به یکی از اهداف مهم عدالت کیفری یعنی بازپروری توجه ویژه‌ای داشت که در پرتو این هدف، عدالت کیفری تدابیر اصلاحی- درمانی مناسبی را برای بازگشت مجرمان به جامعه اتخاذ می‌کند. به همین منظور خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ ش در بند ۵ اصل ۱۵۶^۱، اصلاح و درمان بزهکاران را از وظایف دستگاه قضایی قرار داده است (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰).

اجرای برنامه‌های بازپروری برای زندانیان در ایران نتایج مثبتی به همراه داشته است؛ برای مثال در زندان زنان اراک برنامه‌های بازپروری بر روی زندانیان به کاهش بازگشت و ارتکاب مجدد جرم در میان زنان مجرم انجامید و همچنین مجرمان نیز از برنامه‌های اعمال شده در زندان رضایت داشتند و معتقد بودند که روش‌هایی که باعث آموزش مهارت‌های متعددی برایشان شده مانع از تکرار جرم بوده است و آن‌ها به راحتی به زندگی اجتماعی بازگشتند. این زندان به جرایم حمل مواد مخدر، مصرف و فروش آن؛ معاونت در قتل، سرقت و معاونت در سرقت؛ چک بلامحل؛ روابط نامشروع؛ کلاهبرداری؛ استعمال، حمل و نگهداری مشروبات الکلی؛ خیانت در امانت؛ و نزاع و تهمت مرتکب شده بودند. بر اساس آمار ۶۸/۵۹ درصد این زندانیان به دلیل تأثیر روش‌های بازپروری توانستند به جامعه به صورت مفید بازگردند (رشیدی و براتی، ۱۳۹۵، ص ۷۱). این آمار تنها نمونه‌ای از یکی از زندان‌هایی است که در راستای اجرای اهداف عدالت کیفری توانسته است از میزان جرایم و بازگشت زندانیان به زندان‌ها و ارتکاب جرم بکاهد. نمونه دیگری از ارائه برنامه‌های بازپروری، زندان‌های سنندج و شیراز است که در آن‌ها

۱. اصل ۱۵۶: بند ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

زندانیان با حضور در کلاس‌های مختلف درسی، ورزشی و فنی و حرفه‌ای برای حضور در جامعه به شکلی مفید حاضر می‌شوند. زندانیان با آموزش‌های مختلف فنی و حرفه‌ای می‌توانند در مشاغل مختلفی بعد از آزادی شروع به فعالیت کنند. آن‌ها از سوی مسئولان زندان بعد از آزادی نیز تحت نظر قرار می‌گیرند تا این اطمینان حاصل شود که برنامه‌های ارائه‌شده بر آن‌ها مفید بوده است. بر اساس آماری در زندان شیراز حدود ۶ هزار نفر توانسته بودند مدرک فنی و حرفه‌ای در این زندان دریافت کنند (Vakilpour, Rastegari, Op.Cit: 18) و می‌توانند به راحتی در مشاغل که آموزش دیده‌اند مشغول به کار شوند. بدیهی است که برنامه‌های بازپروری برای زندانیان و جامعه سودمند بوده و امنیتی دوجانبه ایجاد کرده است.

اهمیت بازپروری در حقوق ایران به میزانی بود که قانون‌گذار آن را در بالاترین سطح تقنینی شناسایی و در قانون اساسی عنوان کرد (نیازپور، همان، ص ۲۱۲). در سال ۱۳۹۴ سازمان زندان‌ها با سازمان آموزش و پرورش تفاهم‌نامه‌ای برای حمایت از کودکانی که والدین آن‌ها در زندان‌ها به سر می‌بردند منعقد کرد، چراکه این کودکان از اقشار آسیب‌پذیری هستند که با دور شدن سرپرست خانواده از لحاظ اجتماعی دچار مشکل می‌شوند و در صورت عدم حمایت به چرخه جرم می‌پیوندند. بر اساس آمار، ۲۰۰ انجمن حمایت از خانواده‌های زندانیان در کشور فعالیت می‌کنند. در سال ۱۳۹۶ ش زندانیانی که با سوادآموزی مشغول به کار شدند ۲۴ هزار نفر بودند؛ همچنین آمار زندانیان بی‌سواد در ایران که زیر ۶۰ سال هستند، ۴۲۴۹ نفر است که با برنامه‌های سوادآموزی که در خصوص آن‌ها اعمال می‌شود از ورودشان به چرخه جرم جلوگیری خواهد شد. از این تعداد در آبان ۱۳۹۶ ش تعداد ۲۳۹۵ نفر هم‌زمان با شروع سال تحصیلی شروع به تحصیل کردند. از سوی دیگر در سال گذشته در کل زندان‌های استان تهران تعداد ۲۱۸ نفر در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شده‌اند (mizanonline, 527048). اما در اجرای این قانون تمام مجرمان از آن بهره نبرده‌اند، درحالی که نفع جامعه و مجرم استفاده از برنامه‌هایی است که بتواند مانع ورود دوباره این فرد به جرم شود؛ از طرفی مجرمان خطرناکی چون تروریست‌ها در ایران تاکنون نتوانسته‌اند تحت برنامه‌های بازپروری قرار گیرند.

تاریخ حوادث تروریستی در ایران حاکی از این است که ایران بارها از سوی تروریست‌ها مورد حمله قرار گرفته و امروز نیز همچنان یکی از اهداف مهم تروریست‌ها است. طی حملات تروریستی به مجلس و حرم مطهر، حدود ۷۰ نفر دستگیر شدند که بسیاری از آن‌ها پشتیبانی‌کننده بودند و پرونده‌های آن‌ها در مراجع قضایی رسیدگی و بنابر نوع جرمشان مجازات می‌شوند که اگر این جرم محاربه تشخیص داده شود بدون شک مجازات اعدام در خصوص آن‌ها اعمال خواهد شد (mehnews, 4114260). قبل از حملات تروریستی مجلس،

۱۰۰ اقدام تروریستی طی دو سال از سوی نیروهای امنیتی ایران خنثی شده است. عملیاتی مانند انفجار بمب در مکان‌های عمومی که به نتیجه نرسید و در نهایت عاملان آن‌ها دستگیر و مجازات شدند و حتی پس از حملات مجلس فشار زیادی از جانب تروریست‌ها در ایران صورت گرفت که در نتیجه آن گروه‌های دو تا سه نفره شناسایی شدند. همچنین ۴۸ داعشی در ۵ استان کشور (تهران، فارس، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی) دستگیر شدند که حامل مقادیر زیادی اسناد و مدارک و مهمات بودند (Iran-newspaper, 186650).

شمار بالای حوادث تروریستی و تعداد زیادی از مجرمان تروریستی که دستگیر یا کشته شدند، همچنین کشته و زخمی شدن انسان‌های بی‌گناه بی‌شماری نشان از این دارد که ایران در مبارزات خود از راهبرد سرکوب‌گرایانه بیش از سایر راهبردها استفاده می‌کند و در این میان با استفاده از راهبرد قانونی تروریست‌های دستگیرشده را بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی محاکمه و مجازات می‌کند که بیشتر این مجازات‌ها به اعدام ختم می‌شود؛ چراکه این افراد مرتکب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور شده‌اند که مجازات آن در ماده ۲۸۶ اعدام است. از سوی دیگر مجرمان جرایم امنیتی در قوانین ایران نمی‌توانند مورد بازپروری قرار گیرند، به این ترتیب این افراد در مواجهه با قانون نیز نمی‌توانند با رویکرد حمایتی روبرو شوند و در نهایت غیرقابل انعطاف بودن قانون در مورد آن‌ها به افزایش کشتارها و کاهش امنیت منجر خواهد شد. این تدابیر سعی دارد تا تروریسم را خنثی کند، اما تکرار حوادث نشان از آن دارد که تروریسم با قدرتی بیش از پیش در ایران در حال ایجاد تاریخی ناخوشایند است. حال پرسش این است که چرا باید بر مجرمان جرایم تروریستی سخت‌ترین مجازات‌ها اعمال شود؟

حقوق کیفری به مجرمان تروریستی نگاهی عادلانه ندارد و برای ایجاد امنیت در راستای سیاست امنیتی با آن‌ها رفتار می‌کند. حقوق کیفری ضدتروریستی اندیشه‌ای مبتنی بر حمایت از بزه‌دیدگان و انتقام دارد که گاهی می‌تواند در قالب همدردی باشد و گاهی نمایانگر قدرت‌طلبی دولت‌ها. همچنین حقوق کیفری جدید به دلیل توجه ویژه خود به بزه‌دیده تلاش می‌کند تا خشم او و جامعه را نسبت به جرم و مجرم خنثی کند، از این رو با مجازات‌های شدید به آن پاسخ می‌دهد و در نتیجه این اقدامات حقوق بشر نیز نادیده گرفته می‌شود؛ حتی یک فرد با داشتن یک اندیشه دینی یا سیاسی خاص می‌تواند به‌عنوان تروریست تعقیب شود (مهرآ و کارگری، ۱۳۹۳، ص ۵۹) و در نهایت حقوق کیفری در تقابل با اصول حقوق بشر قرار می‌گیرد و راه‌حلی برای ارائه می‌دهد که با حقوق اساسی افراد در تعارض است (آلبرشت، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸). این روش تنها برای مدت کوتاهی می‌تواند پاسخگوی نیاز جامعه باشد و به‌زودی جامعه با مجرمان خطرناک دیگری روبرو می‌شود.

یکی از مسائل مهم و دارای اهمیت برای سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت است که

رسیدن به آن را در سایه رعایت حقوق بشر میسر می‌داند و بیان می‌کند که احترام به حقوق بشر می‌تواند از درگیری‌های متعددی جلوگیری کند، درحالی که خشونت و درگیری توسعه پایدار را تضعیف می‌کند؛ درحقیقت رعایت حقوق بشر توانایی جلوگیری از درگیری‌های متعددی را دارد (ohchr.org) و عدم رعایت حقوق بشر و به‌طور کلی ایجاد بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در بین آحاد مردم از هر قشر، فرهنگ و مذهبی از دلایل ایجاد رفتارهای تنش‌زا است که می‌تواند در قالب جرایم، حوادث تروریستی و حتی جنگ نمایان شود (ممتاز و رنجبر، ۱۳۸۶، ص ۲۹۰). حال اگر دولت‌ها خود نقض‌کننده حقوق بشر باشند به گروه‌های تروریستی این اجازه را داده‌اند تا به راحتی بتوانند افرادی را که حقوقشان نادیده گرفته شده است جذب کنند تا حوادث جدیدی را رقم بزنند (هافمن، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴) و با این اقدام، دولت‌ها خود به افزایش جرایم دامن می‌زنند.

یکی از اصول مهم و اساسی حقوق بشر ماده ۱۰ بند ۳ حقوق مدنی و سیاسی است که به بیان رعایت حقوق مجرمان می‌پردازد و خواستار برخوردی عادلانه با آنان بر اساس موازین حقوق بشری است. همچنین بیان می‌کند که مجرمان باید اصلاح شوند و به جامعه بازگردند که این بازگشت هم می‌تواند امنیت جامعه را تأمین سازد و هم از تکرار جرایم جلوگیری کند، درحالی که نادیده گرفتن این حق در خصوص مجرمان تروریستی به افزایش این مجرمان منجر شده است. حال پرسش این است که چرا مرتکبان جرایم تروریستی نمی‌توانند بر اساس موازین حقوق بشر موردی برای برنامه‌های بازپروری باشند و صرفاً مجرمان جرایم عادی باید از این برنامه‌ها استفاده کنند؟ از سوی دیگر آیا ائتلاف نیروی انسانی و از بین بردن منابع مالی می‌تواند امنیتی پایدار ایجاد کند؟

بر اساس ماده یادشده تمام مجرمان باید از برنامه‌های بازپرورانه بهره‌مند شوند، اما در بسیاری از کشورها از جمله ایران به دلیل دید متفاوت به مجرمان تروریستی تلاش می‌شود تا این‌گونه مجرمان بر اساس قوانین کیفری ضدتروریستی و قاعده جنگ با تروریسم از بین بروند. زمانی که مجرم تروریستی به فردی نابخشودنی در نظر مردم تبدیل می‌شود تأکید بر بازپروری آن‌ها نیز کاری ساده‌ای به نظر نمی‌رسد و برای اعمال آن نیاز به تغییر دیدگاه جامعه نیز اهمیت بسیاری در موفقیت این هدف دارد، اما همان‌گونه که سیمون بیان می‌کند دولت‌ها در تلاش هستند تا بر این موضوع تأکید کنند که جرم عامل اضطراب و تشویش است، به همین دلیل مجازات‌های شدید و تلافی‌جویانه را اعمال و از آن به‌عنوان توجیهی برای حفظ امنیت و حل مشکلات استفاده می‌کنند (Simon, 1997, p. 173). استفاده از ابزارهای جنگ و قوانین کیفری برای مبارزه با تروریسم راهکاری ساده است که می‌تواند مانع توجه به ریشه‌های پیدایش آن شود. همان‌طور که کمیسیون ۱۱ سپتامبر در این خصوص تحت فشار بودن دولت‌ها، دولت‌های

ورشکسته سیاسی، ناامیدی و بی‌سوادی را از عوامل بروز رفتارهای تروریستی می‌داند و در صورت توجه به این عوامل و مهار آن‌ها، رفتارهای تروریستی را برای برخی تروریست‌های احتمالی غیرجذاب می‌کند (مهر، همان، ص ۷۵)، از میان برداشتن جرایم تروریستی نیازمند شناسایی ریشه‌های این جرم است، چراکه وجود تروریست‌های بالقوه همچنان خطری بزرگ برای جوامع محسوب می‌شود. تروریسم نوعی تفکر است که عوامل متعددی می‌تواند به بروز آن دامن بزند، از این‌رو توجه به روشی که تلاش می‌کند ریشه‌های این جرم را درمان کند می‌تواند مکملی عالی در کنار سایر روش‌های مبارزه باشد.

افزون بر رعایت حقوق بشر در صورتی که بیشتر افراد جامعه قوانین کیفری ضدتروریستی را ناعادلانه بدانند، قوانین کیفری عادی جایگزین و اجرا می‌شوند؛ چراکه قوانین جدید تاکنون هیچ کمکی به کاهش جرایم تروریستی نکرده و اعتبار و حیثیت خود را نزد عموم جامعه ضایع کرده است (همان، ص ۶۳).

۳. بازپروری در سنگاپور

در دولت سنگاپور بر اساس قوانین، مجرمان زمانی که وارد زندان می‌شوند باید مورد حمایت مسئولان زندان و دولت قرار گیرند و در چارچوب برنامه‌های بازپروری بتوانند دوباره به جامعه بازگردند. این سیاست منحصر به مجرمان خاص نیست و جامعه سنگاپور از دولت انتظار دارد زمانی که فردی با هر جرمی به زندان وارد می‌شود پس از خروج دیگر مرتکب جرم نشود. بر طبق دیدگاه این کشور، برنامه‌های بازپروری می‌تواند مانع ایجاد جرایم جدید شود و از ورود دوباره مجرمان به زندان جلوگیری کند.

بر اساس برنامه‌های موجود، زندانیان باید بنابر نوع جرم و خطرهایی که دارند تفکیک و طبقه‌بندی شوند، این یک نقشه راه‌نمای شخصیتی است که در نوع و انجام برنامه‌های بازپروری مجرمان در زندان اهمیت دارد. بر اساس این نقشه، زندانیان برنامه‌های درمان و روانکاوی دریافت می‌کنند و پس از طی مراحل بازپروری برای ورود به جامعه آماده می‌شوند و بعد از آزادی نیز برای اطمینان از سلامت مجرمان، آن‌ها از دور تحت مراقبت قرار می‌گیرند. این برنامه‌ها بر اساس نیازهای زندانیان به آن‌ها تخصیص داده می‌شود. از جمله برنامه‌های کلیدی در بازپروری زندانیان، برنامه‌های درمانی تخصصی است که از سوی مشاوران زندان و روان‌شناسان تهیه و اجرا می‌شود. آن‌ها نیازهای جسمی و روحی زندانیان را در پنج حوزه اصلی نوع تفکرات اجتماعی، مدیریت احساسات و خشم، مدیریت غلبه بر خشم، درمان سوء مصرف مواد و درمان مشکلات جنسی هدف قرار می‌دهند. مقصود از این برنامه‌ها افزایش انگیزه زندانیان برای تغییر خودشان از طریق درک رفتارهای مجرمانه خود، همچنین مجهز کردن آن‌ها به مهارت‌های لازم برای جلوگیری از

بازگشت مجدد به سمت جرایم است (Tang, 2010, p. 44).

در این راستا زندانبانانها نیز به صورت مداوم برای اجرای برنامه‌های بازپروری آموزش می‌بینند. در واقع زمانی که مجرم در زندان به سر می‌برد بهترین زمان برای آن است که طرحی پیاده شود تا دوباره وی به زندان بازنگردد که اگر این کار به‌درستی انجام شود بسیاری از آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. سرپرستان زندان به کمک خانواده‌ها و جامعه، زندانبانان را به سمت شهروندانی مسئول هدایت می‌کنند و به این صورت یک سیستم امن و نمونه ایجاد خواهد شد (Ibid, p. 43). مجرمان تروریستی از جمله مجرمانی هستند که بازپروری آن‌ها به‌عنوان راهبردی نوین در مبارزات تروریستی در سنگاپور شدیداً مورد تأکید قرار گرفته است. در این کشور برای عملی کردن این روش، دولت با تمام بخش‌های جامعه خود هماهنگ شده و دست به همکاری زده است؛ چراکه این روش صرفاً با اقدامات یک ارگان نمی‌تواند قابلیت انجام داشته باشد و به نتیجه برسد. درحقیقت یک رابطه دوجانبه بین دولت و مردم در مبارزات تروریستی در این کشور وجود دارد.

تروریسم مشکلی جهانی است که ریشه در ایدئولوژی دارد و می‌خواهد با روش‌های پیچیده و فاجعه‌آمیز به نتیجه دلخواهش برسد (NSCC, 2004, p. 27)؛ از این رو دولت سنگاپور در برخورد با تروریست‌ها به اقدامی مهم دست زد، و آن تشکیل گروهی به نام «توان‌بخشی مذهبی» (Religious Rehabilitation Group) در ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ بود. هدف از تشکیل این گروه ارائه مشاوره‌های تخصصی برای درک و تصحیح سوء تفسیر از اسلام و آموزش عمومی برای مسلمانان و غیرمسلمانان در جهت حفظ و نظارت بر افراط‌گرایی مذهبی بود؛ در واقع هدف مقابله با تفکر اسلام افراطی و وهابی بود. این گروه از طریق تولید ویدیوهایی که این ایدئولوژی‌ها را آموزش می‌دهد توانسته‌اند بسیاری از جوانانی را که گرایش به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی دارند بر اسلام غیرافراطی متقاعد کنند، و در روش دیگری آن‌ها به سراغ تروریست‌های بازداشت‌شده رفته، با نفوذ به قلب و ذهنشان کمک می‌کنند تا آن‌ها بتوانند با برنامه‌های بازپروری دوباره در قالب فردی اجتماعی به جامعه بازگردند. در این مسیر حمایت‌های متعددی نیاز است تا یک فرد تروریست وارد جامعه شود (Kam, Op.Cit). این گروه برای اینکه بتواند به موفقیت موردنظر خود دست یابد، جلسات منظم گفتگو و مشاوره را از طریق سازمان امنیت ملی به صورت مداوم برگزار و در این راستا از استادان و پژوهشگران مختلفی از جمله مؤسسه دفاع و مطالعات استراتژیک نیز استفاده می‌کند؛ از جمله فعالیت‌های این افراد ارائه تکنیک‌های کامل مشاوره حرفه‌ای است (Bin Hassan & Pereire, 2006, p. 462).

یکی دیگر از اقدامات این سازمان، حمایت از خانواده‌های افراد دستگیرشده است. دولت سنگاپور به شدت نگران آینده این خانواده‌ها است، زیرا بسیاری از این افراد سرپرست و تنها

نان‌آور خانواده‌اند و برای اینکه اعضای این خانواده مشکلات مالی را تجربه نکنند و دچار فساد نشوند، سازمان امنیت داخلی و نهادهای مسلمانان به کمک‌رسانی به این افراد اقدام کرده و فرزندان آن‌ها را برای اینکه در آینده به افراد خطرناکی تبدیل نشوند مورد تعلیم و تربیت قرار داده‌اند. این حمایت‌های مالی از صندوق‌های تحت مدیریت این نهادها و سازمان‌ها تهیه می‌شود. اعضای این خانواده‌ها از پشتیبانی افرادی که در زمینه‌های مشاوره آموزش دیده بودند بهره‌مند شدند و به‌طور منظم شرایط آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و همچنین این مشاوران کانال ارتباطی میان خانواده‌های زندانیان بودند (Bin Ali, 2005). انجام این اقدامات در موفقیت این گروه بسیار اهمیت دارد؛ چراکه باعث می‌شود از طرفی بین خانواده‌ها و زندانیان و جامعه پیوندی برقرار شود و از طرفی از گرایش کودکان این خانواده‌ها در آینده به رفتارهای تروریستی و یا جرایم دیگری که از به‌حاشیه رانده شدن آن‌ها از سوی جامعه و آموزش‌های ناصحیح و همچنین ازدست دادن امنیت مالی ناشی از بازداشت پدرانشان نشئت می‌گیرد، جلوگیری شود (Bin Hassan & Pereire, Op.Cit: 463).

دولت سنگاپور از ملت خود خواست تا با یکدیگر برای زنده ماندن سنگاپور متحد شوند، به همین منظور دولت جلسات گفتگو میان سازمان‌های غیردولتی، جوامع مسلمانان و غیرمسلمانان را برگزار کرد. این ابتکار پیامدهای خوشایندی داشت؛ مانند اعتمادسازی میان نژادهای مختلف و ایجاد هماهنگی در سطح جامعه، مدارس و ادارات، و این‌گونه باعث شد تا اعتماد بین افراد و جامعه ایجاد شود. فلسفه این کار این بود که سنگاپور بتواند برای خود از هر نژاد و دینی جامعه‌ای منسجم و متحد ایجاد کند که هیچ گروهی نتواند در میان آن‌ها پایگاهی برای خود ایجاد نماید (Ibid).

برای ایجاد این هماهنگی‌ها و تفکیک اسلام افراطی از اسلام واقعی در تحقیقات، دانشمندان با گروه‌های مسلمان و مردمی در ارتباط بودند و از طرفی در مدارس و دانشگاه‌ها اسلام به شکل صحیح آن آموزش داده شد. به این ترتیب یک رابطه سالم و عالی بین مدارس، دانشگاه‌ها، دانشمندان و دولت برای مبارزه با افراطی‌گرایی ایجاد شد و بر اساس این برنامه‌های آموزشی هیچ‌کدام از تروریست‌های دستگیرشده از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها و مدارس و یا از علمای مذهبی نبودند، به همین علت مدارس و دانشگاه‌ها نقش بسیار مهمی در این مبارزات برعهده دارند (Ibid, p. 464). برای موفقیت در برنامه‌های بازپروری تروریست‌ها نیاز به مشارکت جامعه است؛ چراکه اگر مشارکت جامعه نباشد، این افراد بعد از گذراندن این برنامه‌ها باز هم به گوشه‌ای رانده می‌شوند و مستعد بازگشت به افراط‌گرایی خواهند بود. در جامعه‌ای که افراد آن با یکدیگر متحد هستند و انعطاف‌پذیر شده‌اند، زمانی که حوادث تروریستی نیز اتفاق بیفتد متحد باقی خواهند ماند و کمک خواهند کرد تا ناسازگاری به وجود آمده به سرعت برطرف و شرایط آرام و عادی شود (Gunaratna, 2011, p. 284).

نظریه‌ای که در سنگاپور برای مبارزه با تروریسم مطرح شد این بود که برای بستن راه افراط‌گرایی باید بر روی شخصیت فرد تروریست کار کرد؛ به این مفهوم که شخصیت این فرد، ضعف‌های آن و احساس تحقیر و نادیده گرفته شدن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و به او انگیزه و احساس مفید بودن داده می‌شود. پدیده افراط‌گرایی در حال حاضر تهدیدی جدی برای جامعه بین‌المللی است که باعث بروز حملات متعددی شده است؛ مانند پاریس، منچستر، بروکسل و... در واقع با وجود تلاش‌های بسیار و سرمایه‌گذاری‌هایی که برای نابودی تروریسم صورت گرفته، نتیجه موردنظر دولت‌ها عملی نشده و تروریسم همچنان در حال افزایش است. همچنین کارشناسان تروریسم به این نکته مهم اشاره کرده‌اند که برای مبارزه با این پدیده به اندازه کافی از ابزارهای نظامی استفاده شده و نیاز است تا با رویکردی روان‌شناختی به قلب و ذهن این افراد نفوذ و ساختار تشکیلاتی آن‌ها را درک کرد (Webber & others, 2017, p. 2). دولت‌ها با سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌توانند از هدر رفتن هزینه‌های خود در مبارزات تن‌به‌تن نیز جلوگیری کنند و افراد کمتری را به کام مرگ بکشانند. واضح است که دولت سنگاپور در به کار بردن این ابزار جدید سعی در کنار گذاشتن سایر ابزارها ندارد، بلکه از آن‌ها در کنار این ابزار نوین استفاده می‌کند تا کارایی آن‌ها نیز افزایش یابد و از سوی دیگر با استفاده از مشارکت افراد ملت خود این مسئولیت را صرفاً محدود به خود نمی‌داند تا بتواند به نتیجه دلخواهش برسد.

فردی که تحت تأثیر افراط‌گرایی است، می‌خواهد از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی خود را مهم و بزرگ جلوه دهد؛ به این ترتیب رفتارهایی از خود نشان می‌دهد تا وجودش را در چشم خود و دیگران مهم و اثرگذار کند. برای انجام این رفتارها او تحت تأثیر انگیزه‌هایی است که دریافت می‌کند، مانند بی‌عدالتی، وضعیت بد اجتماع، پول، خیانت، وفاداری به یک رهبر، رفتن به بهشت و بسیاری دیگر که همگی به برجسته شدن شخصیت این فرد از جانب خودش کمک کرده، او را به یک فرد افراط‌گرا تبدیل می‌کند. همچنین تحقیر افراد در جوامع می‌تواند آن‌ها را به یک افراط‌گرا تبدیل کند؛ با این مفهوم که در فرد توهمی ایجاد می‌شود که در جامعه اهمیت خود را از دست داده است و سعی می‌کند از طریق رفتارهای تروریستی جایگاه خود را بازپس گیرد، مانند افرادی که در جنگ از سوی اشغالگران کشور و خانه‌شان از بین رفته است و آن‌ها در قالب یک گروه تروریستی دست به انتقام می‌زنند. از سوی دیگر ممکن است فردی از لحاظ شخصیتی تحقیر شود و رنج و عذابی ناخوشایند را تحمل کند و بخواهد با حملات انتحاری انتقام بگیرد؛ مانند زنان سیاه‌پوست چچنی که بعد از تحقیر از سوی نیروهای روسی و تحمل رنج و عذاب سنگین وارد گروه‌های انتحاری شدند (Ibid). سرکوب و مجازات کردن این مجرمان به نظر می‌رسد که نتواند آن‌ها را از مسیر رفته منصرف کند، بلکه انگیزه آنان

را برای ارتکاب جرایم بعدی قوی تر خواهد کرد. بنابراین نمی توان با نابودی این افراد این حس را در آن‌ها از بین برد؛ چراکه آن‌ها نیز تلاش در نابودی خود دارند و ما نیز به نابودی این افراد سرعت بخشیده، به اضافه شدن افراد بیشتری به این گروه‌ها دامن می‌زنیم و در نتیجه حوادث بیشتری را رقم خواهیم زد. نوع برخورد با این افراد می‌تواند آینده‌ای متفاوت برای آن‌ها و جوامع ایجاد کند.

یکی از تروریست‌های دستگیر شده در سنگاپور بانویی است به نام ایزاه (Izzah) که در سال ۲۰۱۳م رابطه خود را با تروریست‌های سوریه و عراق آغاز کرد. این فرد معتقد بود که اگر در گروه‌های تروریستی خدمت کند، بجنگد و کشته شود، به بهشت خواهد رفت. او با گذشت زمان شبکه‌های وسیعی از افکار تروریستی را گسترش داد و به یک فرد افراط‌گرا تبدیل شد. اما دولت سنگاپور پس از جمع‌آوری اطلاعات در خصوص فعالیت‌های این فرد تلاش کرد که ابتدا میزان افراط‌گرایی او را تشخیص و سپس او را برای بازگشت به زندگی عادی به مشاوران خود ارجاع دهد (Todayonline, 2018). دولت سنگاپور این فرد را از جامعه خود طرد نکرد و تلاش کرد تا او دوباره به زندگی عادی خود بازگردد؛ چراکه از طریق او نیز افرادی که تحت تأثیر او بودند نیز از مسیری که ایزاه رفته منصرف می‌شدند و به این صورت از آسیب‌ها و حوادث آینده جلوگیری می‌شد. سنگاپور با ارائه برنامه‌های کارشناسی شده و تحقیق بر روی این مجرمان توانسته است حوادث تروریستی را در کشور خود به صفر برساند. بر اساس آماری که روهان گواناراتنا ارائه کرد از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳م بیش از ۶۰ تروریست در زندان‌های سنگاپور بودند که تمام آن‌ها به جز ۴ نفر به زندگی عادی بازگشتند که بعدها از این ۴ نفر نیز ۲ نفر دیگر توانستند به زندگی بازگردند (Govinsider.asia, 5 APR 2017).

نتیجه

با عنایت به رویکرد جدید مبارزه با تروریسم، یعنی بازپروری، وضعیت بسیاری از مجرمان تروریستی در جوامعی که دست به این اقدامات زده‌اند، متفاوت است. بر اساس مطالب ارائه شده، این مجرمان از سوی جامعه پذیرفته شده‌اند و حوادث تروریستی در این کشورها همچون سنگاپور توانسته است به صفر برسد. در علوم کیفری جدید جانی بالفطره مورد پذیرش نیست و این به معنای قابلیت اصلاح فرد است. درمان یک مجرم درمان قسمتی از یک جامعه است که با وجود خودش می‌تواند به ایجاد آرامش و امنیت کمک کند. عدم توجه به رعایت حقوق بشر و ایجاد تبعیض‌های فاحش میان انسان‌ها در یک جامعه می‌تواند در آن شکاف عمیقی ایجاد کند که این شکاف به ایجاد جرایم به اشکال مختلف دامن می‌زند؛ از جمله آن‌ها جرایم تروریستی است که به کشته شدن انسان‌های بسیاری منجر می‌شود. حال آنکه با توجه

کردن به حقوق انسان‌ها و از بین بردن احساس تبعیض جرایم تروریستی نیز کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، جامعه خود در تربیت این فرد برای انجام اعمال خطرناک نقش اولیه را داشته است؛ بنابراین نمی‌تواند او را طرد کند، چراکه با طرد او خود نیز آسیب می‌بیند. افزایش حوادث تروریستی هشدار ناکارآمد بودن مبارزات صورت گرفته تا کنون است که با تدابیر حقوق بشری باید مسیر آن را تغییر داد. شکی نیست که بازپروری گزینه‌ای مناسب در کنار سایر راهبردها برای مقابله با تروریسم است و حتی باید در اولیوی قطعی نسبت به سایر راهبردها با دلایل بررسی شده قرار گیرد. در وضعیت کنونی ایران، نیاز به این راهبرد بیش از گذشته محسوس است؛ چراکه در کشورهای همجوار و همسایه ایران گروه‌های تروریستی هر روز در حال رشد و گسترش هستند و حمله به ایران یکی از اهداف آن‌ها است.

این مقاله برای عملی شدن این راهبرد مهم در ایران این‌گونه پیشنهاد می‌دهد که در ابتدا باید مؤسساتی با عنوان مبارزه با تروریسم تشکیل شود و در این مؤسسات به صورتی علمی برای مبارزه با تروریسم تحقیق، و بررسی در قالب مقاله، کتاب، پایان‌نامه صورت بگیرد و از کارشناسان در رشته‌های مختلف مانند حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی استفاده شود و با برگزاری کنفرانس‌های مرتبط با این موضوع به گسترش این دیدگاه در کشور کمک شود. یکی از مهم‌ترین نهادهایی که در عملی شدن این راهبرد نقش مؤثری دارد رسانه است که با تأکید بر اهمیت این موضوع می‌تواند دیدگاه جامعه را نسبت به تروریست تغییر دهد و با ساخت برنامه‌هایی که نشان از اصلاح مجرمان و ارتباط آن با کاهش جرایم دارد، به رعایت حقوق انسان‌ها که به کاهش جرایم از هر نوع منجر می‌شود تأکید کند و جدایی ایجادشده میان مجرم و جامعه را ترمیم سازد. همچنین یکی از مواردی که می‌تواند به اجرایی شدن این راهبرد سرعت بخشد، تدوین قوانینی خاص در خصوص بازپروری این مجرمان است؛ برنامه‌هایی که قادر باشد آن‌ها را تحت حمایت قرار دهد و بر اساس قوانین حقوق بشری، این افراد هم بتوانند در جامعه مانند سایر انسان‌ها زندگی کنند. از سوی دیگر دولت برای دستیابی به نتیجه قطعی باید از آن حمایت کند. درحقیقت برای کاهش جرایم تروریستی نیاز به همکاری تمام بخش‌های یک جامعه داریم تا بتوانیم جامعه امن در سایه رعایت حقوق افراد مختلف داشته باشیم.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سختگیرانه، تهران: نشر میزان.

۲. ممتاز، جمشید و رنجبر، حسین (۱۳۸۶)، **حقوق بین الملل بشردوستانه: مخصصات مسلحانه داخلی**، چ ۲، تهران: نشر میزان.

(ب) مقالات

۳. ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۸۷)، «بررسی نظریه ها و فرآیندهای روانشناختی در تبیین جرائم و کاربرد آنها در تدوین برنامه های کاهش جرم»، نشریه کارآگاه، دوره ۲، سال دوم، شماره ۵.
۴. افتخاری، اصغر و شبستانی، علی (۱۳۹۰)، «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم»، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲.
۵. آلبرشت، هانس یورگ (۱۳۸۵)، «تروریسم؛ خطر و قانونگذاری»، مترجم: مهدی مقیمی و مجید فورچی بیگی، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱.
۶. دفتر مطالعات بین المللی مبارزه با تروریسم (۱۳۹۰)، «تعهدات جمهوری اسلامی ایران به CTC»، مترجم: دفتر مطالعات بین المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی.
۷. رشیدی، احمد و براتی، مریم (۱۳۹۵)، «بررسی وضعیت زنان زندانی و روش های بازپروری آنها (مطالعه موردی زندانیان اراک در سال ۱۳۹۴)»، پژوهش نامه زنان، سال هفتم، شماره ۱۷.
۸. عالی پور، حسن (۱۳۸۸)، «امنیت ملی و حقوق متهم؛ مطالعه تطبیقی آئین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۱.
۹. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، «تروریسم شناسی»، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۱۰. فروغی، فضل الله؛ مقدسی، محمدباقر؛ غنی، کیوان (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی تعویق صدور حکم در حقوق کیفری ایران، انگلستان و فرانسه»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۸.
۱۱. محمدی، مهدیه (۹۶/۷/۲۳)، «آخرین وضعیت پرونده مرتبطين با گروهک تروریستی داعش» قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/4114260>، 2018/6/5.
۱۲. مهرا، نسرين و کارگری، نوروز (۱۳۹۳)، «تروریسم و حقوق کیفری»، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۸.
۱۳. نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۱)، «تکالیف جرم شناسانه ی دستگاه قضایی در پرتو قانون

برنامه ی پنجم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰.

۱۴. هافمن، پل (۱۳۸۵)، «حقوق بشر و تروریسم»، مترجم: علیرضا ابراهیم گل، تهران: مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۴.

ج) قوانین

۱۵. اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی

۱۶. قطعنامه ۲۱۷۸ شورای امنیت

۱۷. کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی

۱۸. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

۲. انگلیسی

A) Books

19. Guanaratna Rohan, Jolene Jerard, Lawrence Rubin (2011), "Terrorist Rehabilitation and Counter-Radicalisation: New Approaches to Counter-Terrorism", ; Routledge; 1 edition
20. Lawrence Rubin, Rohan Gunaratna, Jolene Anne R. Jerard (2011), "Terrorist Rehabilitation and Counter-radicalisation: New Approaches to counter-terrorism", by Routledge.

B) Articles

21. Bin Hassan Muhammad Haniff & Kenneth George Pereire (2006), "An Ideological Response to Combating Terrorism – The Singapore Perspective, Small Wars and Insurgencies", Routledge Taylor and Francis Group, Vol. 17, No. 4, 458–477.
22. Gavin Chua Hearn Yuit (2009), "Singapore's Approach to Counterterrorism", Volume 2, Issue 12.
23. Gunaratna, Rohan (2011), "Communities Defeat Terrorism: Post-9/11 Community Engagement Strategies", Article in UNISCI Discussion Papers · December 2011, DOI: 10.5209/rev_UNIS.v27.38155.
24. Gunaratna, Rohan (2013), "Global Terrorist Rehabilitation And Community Engagement Programs: The State Of The Art", Singapore, International Conference on Terrorist Rehabilitation and Community Resilience, Stamford Ballroom, Raffles City Convention Centre.
25. Gunaratna, Rohan (2015), "Countering Violent Extremism: Revisiting Rehabilitation and Community Engagement", RSIS: Counter Terrorist Trends and Analysis, Volume 7, Issue 3 , ISSN: 2382-6444, No. 5-13.

26. Hoffman, Bruce (1985), "The Prevention Of Terrorism And Rehabilitation Of Terrorists: Some Preliminary Thoughts", RAND/P 7059, No. 1-5.
27. <http://www.iran-newspaper.com/newspaper/BlockPrint/186650>. (access date: 2018/6/9).
28. <https://govinsider.asia/security/singapore-terrorist-rehabilitation-rohan-gunaratna/> (access date: 2019/8/12).
29. <https://storymaps.esri.com/stories/terrorist-attacks> (access date: 2019/7/20)
30. <https://www.ohchr.org/EN/AboutUs/ManagementPlan/Pages/preventing-violations.aspx> (access date: 2019/9/23).
31. <https://www.mizanonline.com/fa/news/527048> (access date: 1398/4/2).
32. Interview with Mohamed Bin Ali (2005), "Secretary of the RRG", See also M. Nirmala, 'Taking care of family matters: Quietly and without fanfare, community groups have been providing assistance to families of Jemaah Islamiyah detainees', Straits Times, 18 Dec. 2004.
33. Kam, Stefanie (2014), Singapore, This article is an abstract of "Handbook of Terrorism in the Asia-Pacific" by Rohan Gunaratna and Stefanie Kam. <http://www.worldscientific.com/page/p1093>, (access date: 2018/6/17).
34. Liesbeth van der Heide, Jip Geenen, (2017), "Children of the Caliphate: Young IS Returnees and the Reintegration Challenge", ICCT Research Paper.
35. Liesbeth van der Heide, Jip Geenen, (2017), "Children of the Caliphate, Young IS Returnees and the Reintegration Challenge", International Center for Counter-Terrorism – The Hague (ICCT), DOI: 10.19165/2017.1.09, ISSN: 978-12345-99990.
36. National Security Coordination Centre (NSCC), Singapore, (2004), "The Fight against Terror".
37. National Security Coordination Secretariat, 1826 days: A Diary of Resolve: Securing Singapore since 9/11.
38. Neo Chai Chin, "First Singaporean woman detained for radicalism tried to join IS, become 'martyr's widow'" (12 JUNE, 2017). <http://www.todayonline.com/singapore/first-singaporean-women-detained-radicalism-under-isa-0> (access date: 2018/6/9).
39. Nordin, Rohaida & Rastegari, Behnam (2011), "Capability Of Applying Human Rights In Fighting Terrorism Process", 6th International Legal Conference.
40. Nyamuya Macoto, Jackson (2003), "War on enemy: self-defence and state – Sponsored terrorism", Melbourne Journal of International law, vol.4.
41. Rastegari Behnam & Rohaida Nordin (2011), "Counter-Terrorism Legislation: Human Rights Vs. Peace And Security. Malaysia As A Case Study", International Seminar and Workshop on Terrorism, Terrorism Redefining, Preventing and Combating.
42. Simon, Jonathan (1997), "Governing Through Crime", in L.M. Friedman & G. Fisher (Eds.), The Crime Conundrum: Essays on Criminal Justice, New York, Westview.

43. Tang, Stanley (2010), "Effective Rehabilitation And Reintegration Of Offenders", Resource Material Series No.82, Masaki Sasaki, Director United Nations, Asia and Far East Institute for the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders (UNAFEI) 41-51.
44. Vakilpour Zohreh and Rastegari Behnam, (2018), "The Need for Rehabilitation of Terrorists in Iran", Counter Terrorist Trends and Analyses, ISSN 2382-6444 | Volume 10, Issue 10.
45. Webber David, Maxim Babush, Noa Schori-Eyal, Anna Vazeou-Nieuwenhuis, MalkanthiHettiarachchi, Jocelyn J. Bélanger, Manuel Moyano, Humberto M. Trujillo, Rohan Gunaratna, Arie W.Kruglanski, and Michele J. Gelfand (2017), "The Road to Extremism: Field and Experimental Evidence That Significance Loss-Induced Need for Closure Fosters Radicalization" Journal of Personality and Social Psychology, Online First Publication, <http://dx.doi.org/10.1037/pspi0000111>, (access date: 2018/6/10)